



از آسمان خانه‌ی ما تا احمدی ترجمه‌ی شعرهای احمدی در ژاپن ...

در سال ۲۰۰۵، یکی از ناشران توکیو به ما پیشنهاد داد که گزینه‌ی ترجمه‌ی شعرهای معاصر ایران را تهیه کنیم. ما هم کارمان را شروع کردیم و قریب به ده شاعر را انتخاب کردیم: نیما، اخوان، فروغ، شاملو، سپهری، نادرپور، سایه، مختاری و غیره. من اما درخواست کردم که این مجموعه، شعرهای احمدرضا احمدی را هم در بر بگیرد که او را به عنوان شاعر موج نو می‌شناختیم. ولی به جز چند یادداشت و کتاب و مقالات موردی آگاهی چندانی نسبت به شعر او نداشتیم. برحسب اتفاق توانستم برای مطالعه و تحقیق در شعرهای فارسی و «کتاب کوچک»ی احمد شاملو و بررسی چند شاعر برجسته‌ی امروزی از جمله احمدی از بنیاد ژاپن کمک مالی بگیرم.

پیش از این نیز، آثار احمدی به ژاپن آمده بود: فیلم «نار و نی» به کارگردانی سعید ابراهمی فر با صدای احمدی و کتاب‌های کودکان چون «در باغچه عروس و داماد روئیده بود» و «خواب یک سیب، سیب یک خواب» نوشته‌ی او.

به هر حال برای پنجمین بار که به ایران سفر می‌کردم، آقای احمدی را دیدم. بارها مزاحم ایشان و همسرشان شدم و از خود شاعر کمک گرفتم و جواب پرسش‌های خویش را از ایشان گرفتم تا مقاله و ترجمه‌های زیر در ژاپن منتشر شدند:

«نهضت ادبی موج نو در شعر معاصر فارسی در دهه‌ی ۱۹۶۰ و آثار دوران آغازین احمدرضا احمدی»،
 دنیای اسلام، شماره‌ی ۶۶، ۲۰۰۶، صص ۲۳-۴۴
 «چهره‌های شعر معاصر فارسی (۴) - احمدرضا احمدی»

ILCAA News Letter, Research Institute for Languages and Cultures and of
 Asia Africa (ILCAA), Tokyo University of Foreign Studies, no. ۱۱۵, ۲۰۰۵,
 pp. ۱۵-۲۳

«گزینه ترجمه‌ی شعرهای معاصر ایران»، انتشارات دویویجوتسو‌شا، توکیو (زیر چاپ)

در «گزینه‌ی شعرهای معاصر ایران» شرح حال شاعر به همراه توضیحاتی در مورد شعر و فعالیت ادبی او، شعرهای «یک خبر» از مجموعه‌ی روزنامه شیشه‌ای، «آسمان خانه ما» از دفتر من فقط سفیدی اسب را گریستم، «شب» از مجموعه‌ی قافیه در باد گم می‌شود، «بهار نارنج» و «سیب» از دفتر عزیز من ترجمه شدند. بخشی از کتاب «در باغچه عروس و داماد روییده بود» نیز توسط خانم آیکو کیکو به چاپ رسید. خانم آیکو کیکو کتاب‌های فارسی برای کودکان (از جمله آثار احمدی) را در ژاپن به نمایش گذاشتند و معرفی کردند و تاکنون پنج کتاب به ژاپنی به چاپ رسانده‌اند.

در مقاله‌ی «چهره‌های شعر معاصر ایران»، هم عکس شاعر، هم شرح حال او و نیز توضیحاتی در مورد هر مجموعه‌ی شعر، به علاوه‌ی ۵ شعر مذکور و نیز شعرهای «طرح» از مجموعه‌ی طرح، «کمبود تجربه‌های مشترک» از دفتر وقت خوب مصائب، «من از...» از مجموعه‌ی ویرانه‌های دل را به باد می‌سپارم و بخش «یک» از نثرهای یومیه نیز ترجمه شده‌اند.

ایسم‌های شعر و احمدی

موج نو در تاریخ و تحقیقات شعر معاصر گاهی با اشاراتی به دادائیسیم یا سوررآلیسم شناخته می‌شود. ولی در فرایند تشکیل این نهضت ادبی هیچ یک از این دو مکتب یا تئوری‌ها و منطق‌های دیگر به عنوان مانیفست مطرح نشدند. البته می‌دانیم که در گفته‌ها و نوشته‌های شاعران موج نو، تفرق و اجتناب از سمبولیسم اجتماعی یا نیمایی و فاصله‌گیری از سیاست زدگی ادبیات دیده می‌شود که این امر میان نسل شاعران موج نو و در زمینه‌ی اقتصادی و فرهنگی دهه‌ی چهل، امری مشترک بود.

شماره‌ی اول «جزوه‌ی شعر» که پس از شماره‌های اول و دوم «طرفه» به چاپ رسید و فعالیت‌های موج نو در آن نیز دیده می‌شود، اولین صفحه‌ی خود را به پیامی که با نام «طرفه» نوشته شده است، اختصاص داد. این تنها جملاتی است که در شبه مانیفست موج نو بیان می‌شد. جالب این است که نویسنده‌ی پیام - که احمدی است - در آن دورانی که همه مشغول نقد و سرگرم تئوری‌های شعر و ادبیات بودند چنین گفته است:

«باید در انتظار آخرین تولد و آخرین ساعت تولد شعر امروز ایران بود... این تولد را باید در میان دست‌ها آورد و بر روی قلب انبار کرد. چشم فقط باید ببیند. قضاوت با پوست و قلب است.

نشستیم - دیدیم. در این جزوه خواستیم فقط نمایشگر تولدهای روزانه‌ی شعر امروز ایران باشیم. بی‌گمان روزی از میان تولدها خورشید خجول و پنهان امروز را خواهد شناخت. خورشید تولد و نوزاد را بیان خواهد کرد.

... نیت دیگرمان آن بود که از نام‌های خاص در شعر امروز ایران بپرهیزیم. به دنبال نام‌هایی باشیم که هنوز مجرد و تنها هستند و - معصوم - در اندیشه‌ی تحمیل خود به نفسانیات عادات ما نیستند. (طرفه) جزوه‌ی شعر، شماره‌ی اول، فروردین ۱۳۴۵»

بی‌اعتقادی احمدی به تئوری‌های شعر در مصاحبه با «بازار رشت»، پیام (نوری علا) را به این حرف‌ها کشانده است:

«مسأله این است که احمد رضا آمده با هر کوشش یک گرامریست که می‌خواهد توی این گرامری که این خلق می‌خواهد پیدایش کند، مخالفت می‌کند... من می‌گویم چرا از طرف این نسل، این موج نو - که اسمش را می‌گذارم موج نو و پای آن هم می‌ایستم - چرا کوششی نمی‌شود برای اینکه شعرشان مفهوم

داشته باشد برای من. یعنی مردم درکش کنند.

(در بحث: موج نوی شعر امروز، بازار: ویژه‌ی هنر و ادبیات، شماره‌ی ۸۸۷، شماره‌ی ۲۵، ص ۳۰۳)

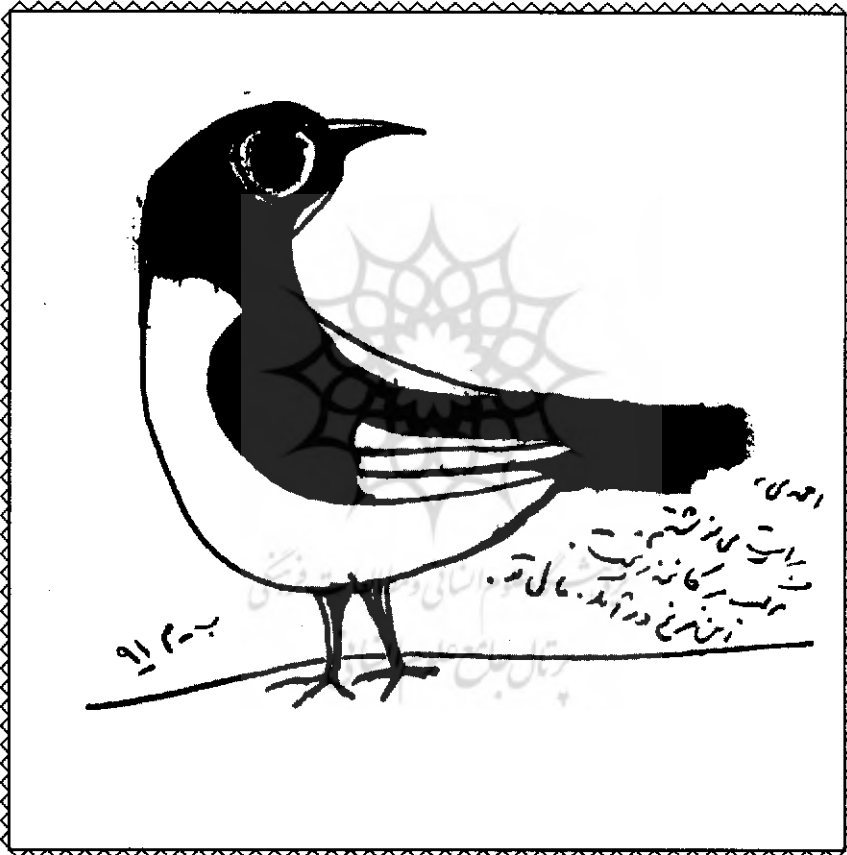
بعدها نوری علا شعر احمدی را شعر ناب دانست و مهرداد صمدی نیز آن را با معیار ایماژسِم سنجید. شاعران موج نو و منتقدان هوادار آن در تلاش بودند از شعر احمدی که به گفته‌ی خود می‌خواست دنیا را به طرز جدید «طرح» کند، الگوی تازه‌ای بردارند و شاید پرچم بلندتری بیافرازند. ولی احمدی هیچ تمایلی نشان نداد که هم پرچم بسازد و هم پرچم دار شود. نمی‌دانم بی‌اعتقادی احمدرضا احمدی به تئوری‌های شعر از دوران آغازین شاعری خود تا امروز به چه علتی است. ولی می‌دانیم که به همین خاطر است که ایشان بیش از چهل سال شاعر بوده و هستند. شعرشان از نخست تا امروز از یک چشمه آب می‌گیرد. اگر انقلاب شد، نهضت ادبی متفرق شد، رود شعر احمدرضا احمدی بی‌پایان است. وقتی چشم به شعرشان انداختیم، نگاه می‌کنیم شعرش در این چهل سال مثل درخت و جنگل خودساخته‌ای رشد کرده است.

راه‌ها در شعر احمدی

در شعرهای آغازین احمدی، واژه‌ها مثل نشانه و فهرست نشانه‌ها رخ می‌نمایند. به نظر می‌رسد که قصد شاعر به هم ریختن و انقطاع و یا پیچاندن روابط طبیعی زبان است. نه فقط عباراتی چون «پرنده‌ی فلزی»، «گل کاغذی»، «آدم کبود» و مانند آن‌ها را خلق می‌کند که حتی در بعد وجود اشیاء و ماهیت آن‌ها (قوطی سیگار یا تصویر) شک می‌ورزد، وارونه کردن Objective و Subjective و پیچاندن رابطه‌ی آنها (شب یا از من برای پرنده‌ی فلزی) و حالت Metalanguage با تشخیص دادن Significant لغات نیز جزو تلاش‌های شاعر است.

اما ده سال بعد، شعرهای احمدی چهره‌ی دیگری به خود گرفته است. من به عنوان یک مترجم و خواننده‌ی شعر دوست «آسمان خانه‌ی ما» را از همه بیشتر دوست دارم. هم به خاطر اصل شعر و هم به خاطر ترجمه‌ی خودم. این شعر هم دوستان و نیز همکاران ژاپنی‌ام را به شدت به خود جلب کرد. بالا رفتن از پله‌ها، پله‌ها به آسمان آبی، پله‌های عمق گندم، سفیدی اسب، سفیدی موی پدر من، تنها جاده‌ی توی گندمزار، جاده‌ی زندگی، جاده‌ی گذشت پدر، راهی که من می‌گذرم، اسب، اسب من، سفیدی اسب، سفیدی خاطرات، سفیدی خاطرات پدر. سفیدی همه‌ی آنها را «گریستم». در اوج شعر، «اسب من» را که آن همه «سفیدی»ها را به خود می‌گیرد «درو کردند».

ما در این شعر کاملاً آزاد هستیم. البته مشخصات موج نوی دوران اول شعر در شعرهای بعدی و تا همین امروز نیز زنده است. اما حس می‌کنیم در این شعر و شعرهای امروز او آزادتریم. شاعر با مهارتی خارق العاده و به سادگی تمام راه‌های بسیاری را برای ما باز گذاشته است. از طریق آنها می‌توانیم از یک اندیشه به اندیشه‌ی دیگر و از یک تصور به تصور دیگر آزادانه منتقل شویم. چون راه بر روابط همنشینی collocation واژه‌ها و مقولات معنای آنها مبتنی است، یعنی شبکه‌های گرامری و معنایی طبیعی زبان. احساس می‌کنیم خودمان راه‌های پنهانی پیدا می‌کنیم، راه‌هایی که بی‌تردید شاعر رد آن‌ها را از آغاز نهاده بود، هر چه قدر هم ناخودآگاه چنین کند. احمدی مدرن‌ترین شعر را هم چون یک قصه یا یک لالایی به ذهن ما می‌رساند.



● طرح از بهمن محمص